روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

شنبه • ۱۳ مرداد ۱۳۹۷ • ۲۱ ذی‌القعده ۱۴۳۹ • ۴ آگوست ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۲۱۱ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۶ • اذان صبح‌فردا ۴:۳۹ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

میدون و سوفیا

وضعیت بابای سوفیایی!

پوریا عالمی

● یک داستان جالب اتفاق افتاده؛

شکل اول

من کاندیدای ازدواج با سوفیا بوده و هستم. منتها مدت‌ها بابای سوفیا من را ردصلاحیت می‌کرد و می‌گفت: «تو صلاحیت ازدواج با سوفیا را نداری». هرچی من می‌گفتم «این را سوفیا باید تشخیص بدهد نه شما!»، بابای سوفیا می‌گفت «من تجربه‌ام از سوفیا بیشتر است و عقلم بیشتر می‌رسد». من هم می‌گفتم مگر من شما را یک دوره گرفته بودم که الان می‌گویی تجربه داری؟!

شکل دوم

بعد دوباره من شدم کاندیدا و استثنائا ردصلاحیت نشدم، اما بابای سوفیا این‌بار همان شب خواستگاری یک هشتگ علیه من راه انداخت و یک فیلم تدوین‌شده منتشر کرد که من را در حال «ریخت‌وپاش» نشان می‌داد. نتیجه؟ سوفیا نه‌تنها به من رأی نداد که با من قهر کرد.

شکل سوم

بعد در دوره بعد باز من کاندیدا شدم که این‌بار بابای سوفیا پسر رئیس اداره‌شان را هم کاندیدا کرد و کلی هم پول خرج تبلیغاتش کرد. نتیجه؟ روز خواستگاری من با بی‌آرتی رفتم سر قرار و چهار ساعت دیر رسیدم. طرف با ماشین دولتی از خط ویژه آمد و نیم‌ساعت زود رسید. من پول یک اس‌ام‌اس عاشقانه نداشتم. طرف بیلبورد توی مدرس می‌زد «آی‌لاو سوفیا».

شکل چهارم

در دوره بعد خواستگارهای زیادی شرکت داشتند و سوفیا روز خواستگاری به من چشمک زد و میس‌کال هم انداخت و در گوشم گفت: «میدون دوم! می‌خوامت». منتها بابای سوفیا اعلام کرد پسر رئیس اداره‌اش برگزیده سوفیاست. سوفیا منتها فردای خواستگاری افسردگی گرفت و برای ادامه تحصیل رفت خارج. سوفیا هرگز دراین‌باره اظهارنظر نکرد و استوری و لایو نداد و هرگز جایی هم کامنت نگذاشت!

شکل پنجم

بابای سوفیا گفت پسر تو ول‌کن نیستی! اما صلاحیت رسیدگی به سوفیا را هم نداری.

گفتم: خب؟

گفت: تو می‌توانی ازدواج کنی و عاشق سوفیا باشی، اما حق نداری باهاش بروی بیرون، باهاش حرف بزنی، باهاش بستنی بخوری و باهاش هیچ کاری کنی.

گفتم: این چه مدل ازدواج است؟

گفت: مدل این.

من چون ناچار بودم قبول کردم. مشکل اینجاست که سوفیا مریض می‌شود، بی‌پول و بی‌کار می‌شود، درس‌هایش را می‌افتد، لباس می‌خواهد بخرد و خلاصه هر مسئله‌ای پیدا می‌کند، بابای سوفیا می‌گوید: تقصیر میدون دوم است که شوهر توست!

سوفیا هم می‌گوید: خاک‌توسرت میدون دوم.

من می‌گویم: ولی من هیچ‌کاره‌ام. تقصیر بابات است.

سوفیا می‌گوید: خب تو که کارایی نداشتی، همان اول کاندیدای خواستگاری من نمی‌شدی. طفلک بابام که من را داد به تو.

دور دنیا

قدردانی راهبه «راه‌رفتن مرد مرده»

● راهبه‌ای که سوزان ساراندون در فیلم «راه‌رفتن مرد مرده» نقش او را بازی کرده بود، از پاپ فرانسیس برای صدور اعلامیه در مورد لغو حکم اعدام در کلیسای کاتولیک تشکر و قدردانی کرد. خواهر هلن پرژین، راهبه ساکن ایالت لوئیزیانا در ایالات متحده، در توییتی خطاب به رهبر کاتولیک‌های جهان نوشت که او «فوق‌العاده خوشحال و عمیقا قدردان» است از اینکه فرانسیس اعلام کرده که این کلیسا مجازات مرگ را تحت هر شرایطی غیرقابل توجیه می‌داند. هلن پرژین در صفحه توییتر خود نوشت تصمیم پاپ فرانسیس برای تغییر آموزه‌های کلیسا درباره مجازات اعدام «آخرین شکاف‌های باقی‌مانده در آموزه‌های کاتولیکی در مورد مجازات مرگ را بست». او به مناسبت انتشار اعلامیه واتیکان در روز پنجشنبه نوشت: «امروز، روز بزرگی در تاریخ حقوق‌بشر است». هلن پرژین ماجرای روزهای آخر یک زندانی محکوم به اعدام به نام متیو پانسلت را در کتابی غیرداستانی به نام «راه‌رفتن مرد مرده» نوشت و منتشر کرد که مبنای فیلمی به همین نام به کارگردانی تیم رابینز با بازی شان پن در نقش متیو پانسلت شد.

کارتون خواب

حمیدرضا مسیبی
hamidreza2197@gmail.com

جراید: سکه در سراشیبی!

تجربه دیگران

دنیا به انقلاب غذایی نیاز دارد

باب گلداف خواننده و ترانه‌سرای ایرلندی، نویسنده و فعال سیاسی با نگارش مقاله‌ای با عنوان «به انقلاب غذایی نیاز داریم» در دیلی‌استار و جاپان تایمز، به مشکل بزرگی پرداخته که نسل بشر و زندگی بر سطح زمین را به نابودی تهدید می‌کند.

من در سال ۱۹۸۴، موفق‌ترین نوازندگان آن زمان را گرد هم آوردم تا یک «ابرگروه» به نام Band Aid (گروه کمک) بسازم تا برای کمک به قحطی‌زدگان اتیوپی پول جمع‌آوری کنم. سال بعد، گروهی از آن بزرگ‌تر به نام Live Aid شکل گرفت و یک کنسرت خیریه بزرگ و به‌منظور جمع‌کردن پول برای کشورهای فقیر برگزار کرد و این ابتکار موسیقایی تا امروز ادامه دارد. ماه گذشته در نشست بین‌المللی تغذیه بر نیاز به اقدامات فوری برای تقویت امنیت غذایی تأکید شد.

بلایی که بر سر ساکنان جزیره ایستر آمد، ممکن است بر سر ساکنان امروز زمین نازل شود. در قرن دوازدهم میلادی گروه از اهالی پولینزی به آن جزیره آتشفشانی دوردست راه پیدا کردند که در آن جنگل‌های انبوه بود که مواد غذایی، حیوانات و ابزار و مواد برای ساختن صدها مجسمه سنگی عظیم و مرموز را فراهم می‌کرد. اما آن مردم اندک اندک جنگل‌ها را نابود کردند و حاصل کارشان خودکشی اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی بود.

امروزه هم برای ما درمجموع تنها چند تکه کوچک از جنگل باقی مانده است که داریم به‌سرعت آن را از بین می‌بریم. زمین‌های قابل‌کشت را فرسوده می‌کنیم و کویر در حال گسترش است. بیشتر مواد غذایی که تولید می‌کنیم، هدر می‌رود، درحالی‌که تقریبا یک میلیارد نفر غذای کافی ندارند؛ واقعیتی که برای بسیاری از این افراد چاره‌ای جز مهاجرت باقی نمی‌گذارد.

بیشترین پوشش رسانه‌ای در مورد پناه‌جویان به آنهایی توجه دارد که از جنگ می‌گریزند (مثل سوریه) یا مهاجران به دنبال فرصت‌های اقتصادی بهتر از وطن (مثلا نیجریه یا پاکستان). اما رابطه مهاجرت با کمبود غذا مهم‌تر از آن است که ممکن است به نظر آنهایی برسد که الان در خیل گرسنگان نیستند.

به‌عنوان مثال، شورش‌های بهار عربی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ که موج عظیم پناه‌جویان را به دنبال داشت، با افزایش قیمت گندم کلید خورد که منجر به شورش گسترده برای نان شد و به انقلاب‌های سیاسی گسترده‌تر بدل شد. در واقع، منشأ بسیاری از درگیری‌های مسلحانه و جابه‌جایی‌های بزرگ جمعیتی و پیامد آنها را می‌توان ناامنی غذایی دانست.

درحالی‌که کشورهای فقیر جنوب از گرسنگی رنج می‌برند، کشورهای غنی شمال شکم‌هایشان را انباشته می‌کنند. بیش از دو میلیارد نفر از ما اضافه‌وزن دارند و علتش قندهای کم‌انرژی و غذاهای فراوری‌شده غنی از چربی است. طبق اعلام سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد، فقط یک‌چهارم مواد غذایی که ما هرساله دور می‌ریزیم، برای تغذیه ۸۷۰ میلیون نفر گرسنه کافی است. یک‌سوم تمام محصولات کشاورزی در سراسر جهان هدر می‌رود. ما اکنون مانند ساکنان ناپدیدشده جزیره ایستر، برای نابودی خود تدارک می‌بینیم. علاوه بر این، تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت انسان سبب تشدید فشارهای موجود در تأمین مواد غذایی و مهاجرت است. کمیسیون راهبرد سیاسی اتحادیه اروپا پیش‌بینی کرده که خشک‌سالی روزافزون و سیل کاری خواهد کرد که عوامل دیگر مهاجرت «ریز به‌نظر برسند» و حدود یک میلیارد نفر در سراسر جهان تا سال ۲۰۵۰ به مهاجرت وادار شوند.

قطعا اقداماتی برای مقابله با دورریز مواد غذایی و کمبود صورت گرفته است. مثلا امسال کمیسیون اروپا پیشنهاد کاهش یارانه‌های کشاورزی را کرده تا از تولید بیش‌ازحد نیاز جلوگیری شود. اما این رویکرد که عنوان «تحول» را گرفته، درحالی‌که به یک «انقلاب» نیاز است، کافی نیست. «سیاست کشاورزی مشترک» اتحادیه اروپا که از مدت‌ها پیش به کار گرفته شده، به‌شدت مشکل‌ساز بوده است. لایحه مزارع در ایالات متحده - ابزار اصلی سیاست کشاورزی و غذای دولت فدرال - نیز به همین اندازه سبب اتلاف منابع شده است.

چیزی که لازم داریم، فقط اصلاح سیاست‌های موجود نیست، بلکه اصلاحات ساختاری است که نتایج واقعی در پی داشته باشد. متأسفانه مشخص نیست که سیاست‌مداران چقدر به این کار متعهدند.

کره زمین ۴۵ میلیون قرن قدمت دارد، اما قرن ما در این میان نقش منحصربه‌فردی ایفا کرده، زیرا اولین بار است که یک گونه می‌تواند کل زندگی را از اساس نابود کند. با این حال، به نظر می‌رسد که ما ساکنان جزیره ایستر آینده از این تهدید وجودی بی‌اطلاع هستیم و ساختن مجسمه را به ایجاد سیستم‌های پایدار برای بقا ترجیح می‌دهیم. آیا فقط باید زمین ما به کویر تبدیل شود، فروپاشی سیستم‌های بهداشتی اتفاق بیفتد، ثروتمندان با کمبود مواد غذایی مواجه شوند، آب شیرین کم شود و خطوط ساحلی به خشکی پیشروی کنند تا این مشکل را دریابیم؟ آن زمان، خیلی دیر خواهد بود و سرنوشت ما دیگر نوشته شده است.

بزرگ‌ترین تهدید برای سیاره ما این باور است که قرار است شخص دیگری آن را نجات دهد. هر یک از ما باید بفهمیم اوضاع چقدر وخیم است و خواستار اقدام واقعی برای تغییر آن باشیم. منظورم خود شما هم هستید.

سلام به فردا

هنرمند مردمی، هنر اجتماعی

دکتر امان‌الله قرایی‌مقدم
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

روز دوشنبه مورخ ۹۷/۵/۸ پیشنهاد همایون شجریان را در اخبار شنیدم که در اینستاگرام برای اجرای رایگان کنسرت‌های خیابانی و بردن هنر موسیقی ملی و سنتی به میان مردم اعلام آمادگی کرد. او فرزند خلف «خسرو آواز ایران» است که هنر خود را در تمام عمر در خدمت مردم و جامعه قرار داد و مانند همه هنرمندان خراسانی از جمله ناصرخسرو قبادیانی یا فردوسی، ملک‌الشعرای بهار، مهدی اخوان‌ثالث، مجبور به گوشه‌نشینی شده و اکنون در بستر بیماری است و هزاران هزار عارف و عامی و خواص نگران سلامت او هستند. این پیشنهاد از همان لحظات ابتدایی سروصدای بسیار در رسانه‌های رسمی و غیررسمی کشور به راه انداخت و عده زیادی از هنرمندان و هزاران هزار مردمی را که عاشق موسیقی سنتی و ملی هستند، دلشاد کرد و موجب اقبال و توجه همه هنردوستان سنتی و ملی و میهنی و همچنین رسانه‌ها و روزنامه‌ها و نهادها و سازمان‌های گوناگون شد و بلافاصله برخی هنرمندان محبوب دیگر مانند حسام‌الدین سراج نیز اعلام کردند که خواهان بردن هنر موسیقی خود به میان مردم هستند.

ازاین‌رو پیشنهاد همایون شجریان را باید به فال نیک گرفت؛ چراکه برای نخستین‌بار است که چهره‌ای شناخته‌شده به جای آنکه هنر خود را در صفحه‌های مجازی و در سالن کنسرت‌ها برای خواص ارائه دهد، هنرش را برای اولین‌بار به میان مردم می‌برد و در خدمت جامعه و مردم عادی و به‌ویژه اقشار محروم قرار می‌دهد که از امکانات اقشار خواص جامعه برخوردار نیستند و آرزو دارند هنرمندان خود را در میان خود ببینند تا برای اولین‌بار دریابند که یک هنرمند اجتماعی، سنتی، ملی و مردمی سرشناس به میان آنها می‌آید و هنر خود را به هزاران مشتاق ارائه می‌دهد.

هنرمند اجتماعی و ملی هنرمندی است که هنرش علاوه بر آنکه بر ارزش‌های اجتماعی متکی است، بتواند با جامعه رابطه و پیوند برقرار کند. به قول لئو تولستوی، هنرشناس بزرگ، «هنر یک فعالیت انسانی است که هنرمند آگاهانه بر پایه احساساتی که خود تجربه کرده، به دیگران انتقال دهد». ازاین‌رو وظیفه و نقش اجتماعی هنرمند در همه حال قراردادن هنر خود در خدمت مردم و جامعه است؛ بنابراین جامعه به هنرمندانی که هنرشان در خدمت جامعه باشد، نیازمند است و جامعه حق دارد از آنها بخواهد که از نقش ویژه اجتماعی خود آگاه باشند و رسالت عظیمی را که برعهده آنها گذاشته شده است، به‌خوبی برآورده کنند و هنرشان را فقط در خدمت خواص و سالن‌های کنسرت و در مکان‌های معین و دور از دسترس طبقات محروم و فرودست قرار ندهند، به میان مردم کوچه و بازار بیایند و شادی را به میان اکثریت عظیم جامعه بیاورند. چنین هنرمندانی به قول سعدی «هرجا روند قدر بینند و در صدر نشینند» و پیوندی معنوی، نه مادی با مردم برقرار می‌کنند.

به‌طورکلی در جامعه دو نوع موسیقی وجود دارد: موسیقی خواص و موسیقی عوام. موسیقی و هنر خواص وسیله‌ای برای کسب لذت و خوشگذرانی است و بیگانه از مردم عادی و اقشار عظیمی از جامعه، هنری مادی و در خدمت زر و زور، حاکمان و زورمندان و اشراف؛ مانند آثار هنرمندان درباری که بخش کوچکی از مردم از آن لذت می‌برند. درحالی‌که هنر موسیقی عوام بر جلوه‌هایی از مسائل اساسی و نیازهای ژرف و آرمان‌های عظیم جامعه خود متکی است و رهاوردهای ارزشمندی برای جامعه به ارمغان می‌آورد و در خدمت جامعه است. هنر موسیقی عوام تنها وسیله کسب لذت نیست؛ بلکه هنر اجتماعی است. به جامعه پیام می‌دهد و ارائه طریق می‌کند. جامعه را به پیش می‌راند و باعث رکود و پسرفت آن نمی‌شود و براساس‌این هنری اصیل و ماندنی است. وردی ایتالیایی در تمام عمر با ایمانی استوار و قلبی پراشتیاق در آرزوی آزادی و اتحاد ایتالیا نغمه‌سرایی کرد و آهنگ ساخت که نمونه آن اپرای «اتللو» است. بتهوون دمیدن سپیده حکومت‌های دموکراسی را با سروده‌های عظیم خود مانند «اگمنت» و «سمفونی شماره ۳» (اروییکا) ثنا می‌گفت. یکی از دلایلی که فلاندی‌ها یان سیبلیوس را تا سرحد پرستش دوست می‌دارند، آن است که او را عامل مهمی در حصول استقلال کشورشان از دست روس‌های تزاری می‌دانند و... . بنابراین رفتن هنرمندانی مانند همایون شجریان به میان مردم اقدام بسیار مؤثر و مفیدی از لحاظ ایجاد شادی و نشاط در جامعه و در نتیجه تأثیرهای اقتصادی و بالابردن میزان بازدهی کاری در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و سازمان‌های اداری و خدماتی، اجتماعی و جلوگیری از انواع آسیب‌های اجتماعی ازجمله دزدی، اعتیاد به سیگار و قلیان و مواد مخدر، نزاع و درگیری، خشونت، طلاق، خودکشی و... بالابردن میزان همدلی و هم‌زبانی و همبستگی اجتماعی و بالابردن سرمایه اجتماعی و اثرات سیاسی و فرهنگی و آرامش روحی و روانی در هنگامی که فشار و نابسامانی اقتصادی و خبرهای نگران‌کننده و ضدونقیض زیاد شده و مردم دچار «چه کنم چه کنم» شده‌اند به‌همین‌دلیل باید هم از جانب مسئولان و هم دیگر هنرمندان در زمینه‌های مختلف حمایت همه‌جانبه شود که خوشبختانه تاکنون مورد اقبال نهادهایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین شورای شهر و شهرداری تهران قرار گرفته است؛ ان‌شاءالله.

آکادمی

معتبرترین جایزه ریاضی جهان در دستان ریاضی‌دان ایرانی تبار

عماد کسرایی: مدال فیلدز به گواه بسیاری معتبرترین جایزه‌ای است که یک ریاضی‌دان می‌تواند دریافت کند و در بین بسیاری از مجامع علمی به‌عنوان «نوبل ریاضی» نیز خوانده می‌شود. در مراسم اعطای این مدال که هر چهار سال یک بار به برجسته‌ترین ریاضی‌دانان زیر ۴۰ سال جهان اعطا می‌شود، این‌بار، نام یک ریاضی‌دان کرد ایرانی ساکن انگلستان به چشم می‌خورد و همین موضوع توجه جهانیان را بار دیگر به خود جلب کرده است. این جایزه، روز چهارشنبه دهم مردادماه در مراسمی که در شهر ریودوژانیروی برزیل برگزار شد، به چهار ریاضی‌دان به پاس پژوهش‌های مهمی که در حوزه‌های گوناگون ریاضیات انجام داده‌اند، اعطا شد؛ چهار ریاضی‌دان به نام‌های کوچر بیرکار، السیو فیگالی، پیتر شولتزه و اکشای ونکاتش. پروفسور بیرکار که سال‌ها پیش دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه تهران بوده، اینک در دانشگاه کمبریج بریتانیا مشغول به کار و پژوهش است. زمینه اصلی پژوهشی کوچر بیرکار، هندسه جبری است و همچنین شاخه‌ای که به هندسه دوسوگویا شهرت دارد. این ریاضی‌دان پیش‌تر در سال ۲۰۱۰ موفق به دریافت جایزه معتبر «لورهولم» (Leverhulme Prize) شده و در سال ۲۰۱۶ نیز جایزه «مور» (Moore Prize) را دریافت کرده بود. کوچر بیرکار اینک دومین ایرانی‌تباری است که موفق به دریافت جایزه فیلدز می‌شود. قبل از او ریاضی‌دان برجسته و مشهور ایرانی مریم میرزاخانی برنده مدال فیلدز شده بود؛ ریاضی‌دانی که سه سال پس از دریافت این جایزه در سال ۲۰۱۷ در پی یک دوره بیماری سخت درگذشت. با اعطای جایزه فیلدز امسال مشخص شد که مریم میرزاخانی همچنان نخستین زنی باقی می‌ماند که در تاریخ این جایزه، برنده مدال فیلدز شده است. مدال فیلدز که به یاد جان چارلز فیلدز، ریاضی‌دان کانادایی پایه‌گذاری شده، برای نخستین‌بار در سال ۱۹۳۶ به دو ریاضی‌دان فنلاندی و آمریکایی اعطا شد و ۱۵ هزار دلار کانادا یعنی حدود ۱۰ هزار یورو ارزش مادی دارد. چهار برنده امسال هر کدام از گوشه‌ای از دنیا به این مراسم دعوت شده بودند. اکشای ونکاتش از دانشگاه‌های پرینستون و استنفورد ایالات متحده آمریکا، السیو فیگالی از دانشگاه ETH زوریخ سوئیس و پیتر شولتزه از دانشگاه بن آلمان سه برنده دیگر این جایزه بودند. تاکنون جوان‌ترین دریافت‌کننده این جایزه تنها ۲۷ سال داشته و همان‌گونه که اشاره شد، مریم میرزاخانی تنها زنی بوده که در تاریخ اعطای جایزه فیلدز موفق به دریافت آن شده است. پیتر شولتزه آلمانی نیز سهم آلمانی‌ها از دریافت این جایزه را یکی افزایش داد و دومین آلمانی محسوب می‌شود (پس از گرد فالتینگز) که مدال فیلدز را بر گردن خود می‌آویزد. پروفسور کوچر بیرکار ۴۰ساله که پیش‌تر نام او فریدون درخشانی بوده، البته بداقبالی هم داشته و براساس گزارش رسانه‌ها در روز چهارشنبه ۱۰ مرداد، مدال و کیف و تلفن او در جریان برگزاری مراسم به سرقت رفته است. هرچند با کمک مأموران امنیتی مراسم کیف آقای بیرکار پیدا می‌شود، اما ظاهرا کیف خالی بوده و مدال و تلفن همراه او در همان سالن اعطای جوایز توسط سارق یا سارقان دزدیده شده است. از این حواشی که بگذریم کوچر بیرکار در سال ۱۳۵۷ در شهر مریوان استان کردستان به دنیا آمد. او دوران مدرسه خود را در مریوان پشت سر گذاشت و پس از آن موفق شد با راهیابی به دانشگاه تهران، تحصیلات خود را در رشته ریاضیات (در مقطع کارشناسی) در این دانشگاه بگذراند. بیرکار می‌گوید که در دوران دانشجویی خود در دانشگاه تهران، به تصویر برندگان مدال فیلدز نگاه می‌کردم و با خود می‌گفتم که آیا زمانی موفق به ملاقات این افراد می‌شوم؟ اما اوج موفقیت بیرکار از زمانی آغاز شد که موفق به اخذ مدرک دکترا از دانشگاه ناتینگهام انگلستان شد. موفقیت‌های پیاپی کوچر بیرکار که با دریافت جایزه «جامعه ریاضیات لندن» در سال ۲۰۰۳ شروع شد، اینک با دریافت مدال فیلدز او را در لیست موفق‌ترین ریاضی‌دانان عصر حاضر به جامعه علمی جهان معرفی کرده است. «ایوان فسنکو» یکی از اساتید بیرکار در دانشگاه ناتینگهام می‌گوید: «با شروع مقطع دکترا، استعداد او آشکار شد و من به این فکر افتادم مسائلی را برای موضوع پژوهش دکترای بیرکار طرح کنم. درحالی‌که حل این مسائل، به صورت میانگین، حدود سه تا چهار سال زمان می‌برد، اما بیرکار توانست آنها را تنها در سه ماه حل کند. او از بهره هوشی بالایی برخوردار است. هنگام صحبت با بیرکار درمی‌یابید که او چند قدم از افکار شما جلوتر است».

دیدگاه

سوراخ در اقتصاد ترامپ

ریک نیومن، ستون‌نویس یاهونیوز، روز سه‌شنبه در یادداشتی با عنوان «سوراخ در اقتصاد ترامپ» به مشکلاتی در اقتصاد ایالات متحده آمریکا پرداخته که اکنون در آستانه ظهور و بروز است. ترامپ آخرین آمار و ارقام مربوط به تولید ناخالص داخلی را اعلام کرد و نشان داد که اقتصاد در سه‌ماهه دوم با رشد ۴،۱ درصدی مواجه است. این بیش از دوبرابر سرعت رشد سال گذشته و زمان حضور پرزیدنت اوباما در دفتر کاخ سفید است؛ دستاوردی که هر رئیس‌جمهوری خوشحال خواهد شد که اعتبارش را به خود بدهد، اما اقتصاددانان درباره اینکه چقدر از این رشد واقعی و چقدر توهم است، بحث دارند و پاسخی که به آن می‌رسند ممکن است درست در زمانی که ترامپ برای انتخاب مجدد در سال ۲۰۲۰ تلاش می‌کند، برای او دردسر شود. برنارد باومهول، اقتصاددان معتقد است که عوامل موقت بخش قابل‌توجهی از آخرین آمار تولید ناخالص داخلی را به خود اقتصاد داده و بدون اثر آن عوامل، اقتصاد فقط ۲،۵ درصد بالا رفته است و نه ۴،۱ درصد کذایی. باومهول می‌گوید: سه عامل موقت، بر آخرین آمار سایه افکنده است: کاهش مالیات ترامپ، افزایش هزینه‌های دولتی و عجله برای ارسال برخی از صادرات کشور قبل از اعمال تعرفه‌های جدید. ارقام صادرات بیشتر از حد معمول در سه‌ماهه دوم به این معنی است که صادرات در سه‌ماهه سوم پایین‌تر است که بعدا به کاهش رشد تولید ناخالص داخلی منجر خواهد شد. چندان روشن نیست که آیا کاهش مالیات و مشوق‌های مصرفی پایدار خواهد بود یا به‌زودی رنگ خواهد باخت. احتمال دارد که سهم مشوق‌ها در رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۸ و بخشی از سال ۲۰۱۹ جهتی معکوس در اواخر سال ۲۰۱۹ و سال ۲۰۲۰ به خود بگیرد و سبب افت اقتصاد شود. بعضی از اقتصاددانان فکر می‌کنند که ممکن است در سال ۲۰۲۰ رکود اقتصادی در پیش داشته باشیم. داگلاس هولتز ایکین، رئیس «مجمع اقدامات آمریکایی» که یک اتاق فکر محافظه‌کار است، می‌نویسد که ارقام تولید ناخالص داخلی قوی «بلافاصله دو سؤال را پیش می‌آورد: (۱) آیا این یک‌بار پیش آمده یا یک روند پایدار است؟ و (۲) چقدر از رشد سریع‌تر را می‌توان به تغییرات سیاست اقتصادی نسبت داد؟» هولتز ایکین معتقد است که کاهش مالیات و دستورالعمل تنظیم مقررات ترامپ به ایجاد رشد پایدار کمک کرده است. بااین‌حال هنوز خیلی زود است که درباره تأثیر کامل کاهش مالیات ترامپ که در آغاز سال جاری میلادی اجرائی شد، قضاوت کنیم.اما هزینه‌های تجاری در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ افزایش داشت و سپس دوباره سقوط کرد. خود کسب‌وکارها هم ممکن است چندان رشد اقتصادی واقعی را احساس نکنند. مارک زندی، اقتصاددان استدلال می‌کند که کاهش مالیات و افزایش هزینه‌ها در حدود یک‌چهارم رشد تولید ناخالص داخلی در سال جاری و در آینده خواهد بود. او می‌گوید که این جهش روند نزولی می‌گیرد و سپس تا سال ۲۰۲۰ ناپدید می‌شود. رکود اقتصادی می‌تواند رشد کند، اگر سیاست‌های تجاری محافظه‌کارانه ترامپ بیش از حد شدید شود یا بازارها واکنش منفی به نزدیک به یک تریلیون دلار وام سالانه دولت ترامپ که اکنون از ۲۱ تریلیون دلار بدهی ملی بالا زده، نشان بدهند، ممکن است رکود نمایان شود. باومهول می‌گوید: «مسئله، بدهی است». در اواخر دهه ۱۹۹۰، رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بی‌کاری بسیار بالا و نزدیک به سطوح فعلی بود، اما آن اقتصاد خروشان باعث ایجاد سونامی درآمد مالیاتی شد که چهار سال پیاپی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۱ برای دولت مازاد بودجه باقی گذاشت. این وضعیت زمانی اتفاق می‌افتد که اقتصاد واقعا سالم باشد. برعکس، درحال‌حاضر کسری بودجه فدرال در حال افزایش است، نه کوچک‌ترشدن. این امر نشان می‌دهد که رونق تا اندازه‌ای ناشی از پول قرض‌گرفته‌شده است که بعد باید پرداخت شود، مانند ریخت‌وپاش اضافی با یک کارت اعتباری. باومهول می‌گوید ۴،۱ درصد تولید ناخالص داخلی سریعا به یک خاطره تبدیل شود. او پیش‌بینی می‌کند که اقتصاد در سال ۲۰۱۹ فقط دودرصد رشد خواهد داشت. به‌این‌ترتیب، حتی اوباما هم بهتر از ترامپ عمل کرده است.